

آنگاه عیسی به تعلیم دادن آنها آغاز کرد که لازم است پسر انسان زحمت بسیار ببیند و از سوی مشایخ و سران کاهنان و علمای دین رد شده، کشته شود و پس از سه روز برخیزد. 32 چون عیسی این را آشکارا اعلام کرد، پطرس او را به کناری برد و شروع به سرزنش او کرد 33. اما عیسی روی برگردانیده، به شاگردان خود نگریست و پطرس را سرزنش کرد و گفت: «دور شو از من، ای شیطان! زیرا افکار تو انسانی است، نه الهی» 34. «آنگاه جماعت را با شاگردان خود فرا خواند و به آنان گفت: «اگر کسی بخواهد مرا پیروی کند، باید خود را انکار کرده، صلیب خویش برگیرد و از پی من



بباید 35. زیرا هر که بخواهد جان خود را نجات دهد، آن را از دست خواهد داد؛ اما هر که به خاطر من و به خاطر انجیل جان خود را از دست بدهد، آن را نجات خواهد داد 36. انسان را چه سود که تمامی دنیا را ببرد اما جان خود را ببازد؟ 37 انسان برای بازیافتن جان خود چه می‌تواند بدهد؟ 38 زیرا هر که در میان این نسل زناکار و گناهکار از من و سخنانم عار داشته باشد، پسر انسان نیز آنگاه که در جلال پدر خود همراه با فرشتگان مقدس آید، از او عار خواهد داشت».

اگر در اواخر روز به بازار لایپزیگ بروید، فروشندگان هر چیزی را که دارند به قیمت ارزان تر می‌فروشند. یک بار، وقتی نزدیک فروشنده ای بودم، او آستین من را کشید و تخفیف بزرگی پیشنهاد کرد. حتماً بایستی محصولش را می‌خریدم! اما من محصولش را نمی‌خواستم. وقتی او قیمتش را تا ۱۰ برابر کاهش داده بود و من هنوز آن را نمی‌خواستم، بالاخره گفت: «امروز به شما قیمت کاملاً ارزان می‌دهم. رایگان است! الان آن را می‌خواهی؟» گاهی احساس می‌کنم که کلیسا دستفروشان بازار لایپزیگ را کپی می‌کند. مردم هیچ علاقه ای به کلیسا ندارند. آنها کلیسا را ترک می‌کنند. و حتی کسانی که می‌آیند خیلی به ندرت می‌آیند. و به همین دلیل، کشیش‌ها اشتباه بزرگی مرتکب می‌شوند. آنها قیمت انجیل را پایینتر می‌آورند! یعنی انجیل عیسی مسیح را به عنوان تخفیف می‌فروشند! انجیل باید بیشتر و بیشتر با دل انسان تطبیق شود. باید بیشتر آرام بخش باشد و کمتر به چالش بکشد. و نباید قلب انسان را تغییر دهد. کتاب مقدس، از آن نظر، فقط به این منظور است که احساس خوبی داشته باشید. افراط‌های بسیار عجیبی در کلیسا وجود دارد برای اینکه انسان‌ها را جذب کند. اخیراً یک کلیسا پیشنهاد ویژه ای تبلیغ کرد "ایمان و لذت بردن" زیرا آن تبلیغ نوشته شده بود: «کتاب مقدس، همراه با طعم ویسکی!» من می‌دانم که ما باید همه چیز را امتحان کنیم تا انجیل را به مردم اعلام کنیم. اما اگر ما انجیل را با چیزی دیگر جایگزین کنیم، این کلاهبرداری از انسان است. خطر این است که ما خود انجیل را تغییر دهیم و چیزی متفاوت از آن به مردم ارائه کنیم. وقتی کتاب مقدس را می‌خوانم، خیلی سریع متوجه می‌شوم که کتاب مقدس هیچ سازش ارزانی نمی‌شناسد. وقتی مردم به گناه افتادند، خدا نگفت: "اوه، حیف است، مردم نمی‌توانند به اهداف من برسند. اما، عیب ندارد من فقط تکلیف آنها را آسانتر می‌سازم تا اینکه بتوانند غلبه کنند!" نه، من آن واکنش خدا را نمی‌بینم. در عوض، خداوند بارها پیامبران را فرستاده است تا توجه مردم را به دستورات خداوند جلب کنند. اکثر پیامبران هزینه‌ی این پیام را با جان خود پرداختند. و سرانجام خداوند خود به راه افتاد تا به انسان برسد. نه، خداوند قیمت را پایین تر نیاورده است، زیرا ما انسان‌ها نمی‌توانیم فرمان‌های او را تحمل کنیم. نه، برعکس. او معیار ۱۰ فرمان را در همین قدر قرار داد. و سپس خود را زیر بار تمام ۱۰ فرمان و زیر سنگینی گناه ما هم قرار داد. ما نتیجه نهایی این مسیر را می‌دانیم. این مرگ عیسی بر روی صلیب بود. ما انسانها همیشه این صلیب را درک نمی‌کنیم و به همین دلیل آن را انکار می‌کنیم. ما با تمام وجود مخالف صلیب هستیم: شاگرد عیسی پطرس اولین کسی بود که صلیب را انکار کرد. او آن راه عیسی را درک نمی‌کرد. او آینده خود را با عیسی متفاوت تصور می‌کرد. پس از پطرس، بسیاری دنبال الگوی او بودند. در میان یهودیان، صلیب بزرگترین لعنت بود. در بین معلمان دین اسلام صلیب نشان دهنده بزرگترین تفاوت بین مسیحیان و مسلمانان است. به همین دلیل است که اسلام با تمام وجودش در برابر صلیب مقاومت می‌کند. قرآن می‌گوید که عیسی بر روی صلیب نمرده است. در نظر دین اسلام ممکن نیست که کسی برای گناه دیگران بمیرد. و قرآن تایید می‌کند که عیسی بر روی صلیب برای گناهان ما نمرده است. اما این فقط در اسلام نیست. برای ما هم همینطور! ما صلیب را نمی‌خواهیم ما نمی‌خواهیم خودمان را تحت حکومت خدا قرار دهیم. ما ترجیح می‌دهیم خودمان بزرگ تر باشیم. و به همین دلیل است که امروزه صلیب حتی در بین بعضی از مسیحیان مردود است. به نظر آنها، صلیب تنها یک نماد است و در واقع بسیار بی‌رحمانه است. برای برخی، صلیب دیگر اصلاً وجود ندارد. و بعضی دیگر از آن اجتناب می‌کنند. عیسی باید آن سخنان سخت را دوباره

تکرار کند: «از من دور شو، شیطان!» عیسی اینطور می گوید، زیرا در این مرحله چیزی کمتر از تفاوت بین کار خدا و کار شیطان مشخص نمی شود: بنابراین عیسی شاگردان خود را فراخواند. و همه اینها را یک بار دیگر با وضوح کامل توضیح داد: بدون صلیب ما هیچ ناجی نداریم. بدون صلیب، تنها چند نکته مفید برای یک زندگی خوب باقی می ماند. بدون صلیب ما با گناه، مرگ و شیطان تنها می مانیم! و اگر عیسی راه خود را به سوی صلیب نرفته بود، ما انسان‌ها بدون شک و بدون هیچ راه حال تحت امر شیطانی گناه، و مرگ قرار می گرفتیم. عیسی همه اینها را توضیح می دهد و حتی بسیار شخصی عمل می کند: «هر که می خواهد از من پیروی کند، خود را انکار کند و صلیب خود را برگردد و از من پیروی کند» همه اینها به چه معناست؟ عیسی صلیب را برمی دارد تا ما از آن آزاد شویم؟ آیا هنوز باید صلیب خود مان را برداریم؟ اینکه ما مسیحیان با صلیب عیسی پیوند خورده و متحد شده‌ایم راز بزرگی است. واضح است که عیسی به تنهایی می تواند به اورشلیم برود تا هزینه ی گناه ما را بپردازد. و با این حال کل کلیسا بدن عیسی است و بنابراین ویژگی های صلیب هم توی کلیسا است. وقتی تعمید می گیریم با مسیح یکی می شویم. سپس صفات خداوندان عیسی مسیح را داریم. و بنابراین باید تضاد شیطان را در زندگی خود تحمل کنیم. همچنین باید بدانیم که شر در زندگی ما می میرد. تمام بی خدایی ما، خودخواهی ما، سخت گیری ما در برابر خدا بر روی صلیب می میرد. این صلیب بر هر یک از ما شخصاً تأثیر می گذارد. و می تواند به ما صدمه بزند! همچنین می تواند در شرایط خاصی به این معنا باشد که نه تنها شر درونی را ترک کنیم، بلکه باید از خود زندگی فزینی نیز چشم پوشی کنیم. زیرا تناقض نه تنها از درون ما می آید، بلکه از بیرون نیز می آید. عیسی که در آستانه ی مرگ بر روی صلیب بود، این را می دانست... و در مورد آن دچار کشمکش های ذهنی بود. ۱۲ شاگردی که در مقابل او ایستاده بودند، بعداً در هنگام مرگ شان از الگوی خداوند خود پیروی کردند. زیرا آنها نیز باید عواقب صلیب را متحمل می شدند. آنها به خاطر ایمان به عیسی کشته شده بودند. امروزه هنوز مسیحیان زیادی هستند که با جان خود هزینه ی مسیحی بودن را می پردازند. چگونه حاضریم این راه را با او طی کنیم و در این راه با او بمانیم؟ پیروی از صلیب، همانطور که عیسی توصیف کرد، به این معنی است که ما به کسی که ما را بر روی صلیب نجات داده است شهادت دهیم. پیروی از صلیب، طبق خواست خدا، می تواند به این معنا باشد که ما شبیه آن فرد مصلوب شده شویم. و عیسی حتی دقیق تر می گوید: «...»

35 زیرا هر که بخواهد جان خود را نجات دهد، آن را از دست خواهد داد؛ اما هر که به خاطر من و به خاطر انجیل جان خود را از دست بدهد، آن را نجات خواهد داد» مسیح ما را به چالش می کشد. او از ما می خواهد که خودمان را امتحان کنیم. چگونه پیروی می توانیم از عیسی می توانیم ادامه یابیم؟ آیا آرزوی ما این است که تنها یک فرهنگ مسیحی داشته باشیم؟ زیباترین موسیقی و زیباترین ساختمانها و زیباترین مراسم کلیسا را آرزو می کنیم. اما با این حال ارتباط خود را با عیسی از دست می دهیم و به این دلیل روح خود را از دست می دهیم. اگر اینطور است چه سودی برای ما خواهد داشت؟ آیا روح خودمان را دقیقاً به این دلیل از دست می دهیم که کل وجود مسیحی خود را بر اساس رفاه خودمان قرار می دهیم و نه بر مسیح؟ عیسی راه صلیب را پیمود. از شرم و حقارت و مرگ ابا نکرد. اما جایی که همه چیز با او به پایان رسید، بزرگترین برد او بود!

پیترس را می بینم که مقابل ایستاده است. او فقط بهترین فرصت را برای استادش می خواست و بدترین توبیخ زندگی خود را دریافت کرد. چگونه در برابر خداوند عیسی بایستیم؟ می ترسم چون به نقطه عطف زندگی رسیدم. من باید تصمیم بگیرم پیروی عیسی یا دیگری... اگر این آخرین کلمه ی خدا باشد، ناامید می شوم. عیسی از خودش شروع می کند. اوست که به صلیب می رود. و عیسی این راه را به تنهایی طی کرد. و او این کار را برای من انجام داد! عیسی تمام هزینه ای را که برای آزاد کردن ما صرف شده است، پرداخت. تنها از این نظر است که می توانم حتی به زندگی و پیروی از مسیح فکر کنم. در پایان عیسی می گوید: «... او زندگی خواهد کرد.» بنابراین هدف عیسی این نیست که تمام دارایی و حتی زندگی مان را از دست دهیم. برعکس، عیسی زندگی ابدی به ما می دهد. معنی و هدف به صلیب کشیده شدن او همین است که بتوانیم زندگی داشته باشیم! آنچه به عنوان زیان ظاهر می شود به سود تبدیل می شود. این دقیقاً همان برنامه مسیحی است که بارها و بارها آشکار است: شخص خود را به دیگران صرف می کند و با این حال پاداش بزرگتر در یافت می کند. انسان آبروی خود را از دست می دهد و با این حال در نزد خدا جلال می یابد. ما دیگر نیازی به تمرکز بر موفقیت ها و شکست های خود نداریم زیرا به طور ضمنی به خدا اعتماد داریم. ما بدون قید و شرط به او اعتماد داریم، دقیقاً به این دلیل که او یک بار برای همیشه از طریق عیسی ما را پذیرفت. آمین